



Investigating the ideal situation On the way to worship in the Islamic Based on the view of Martyr Motahari

MONIRI, HAMIDREZA

Assistant Professor, Islamic Revolution, Mazandaran University, Iran.

Article Info

Article type:

Research Article

Key words: Favorable state in worship Islamic government, Classification of humans, and Martyr Motahari

ABSTRACT

The issue of drawing an ideal situation On the way to worship in the Islamic government is essential from the point of view of martyr Motahari, whose works have been approved by the imams of the Islamic Revolution in terms of accuracy and richness of content. For this purpose, This research article is an attempt to Based on Spriggans' theoretical framework To examine the indicators of the ideal situation On the way to worship in the Islamic government Based on the view of Martyr Motahari. For this purpose and with the text-to-text interpretation method as an operational method, Different levels of people were divided in three categories: The best people to God - the good ones - the hellish. Then based on this division The most important crisis in worship To be hellish is to be human And the reasons for the crisis in the direction of worship are: a. Just looking at the affairs of this world B: Not accepting the hereafter. The favorable situation in the direction of worship occurs when a person will reach the rank and status of the good ones and The best people to God. The solutions to solve this crisis are: In the formation of Islamic government as an institution and strengthening the status of geniuses as important people in society, Every useful knowledge of the Islamic society centered on the Qur'an and the Sunnah of the Prophet of Islam and Ijtihad are the sources of the model of the Islamic government in the direction of worship in the Islamic government. The ultimate goal of the Islamic government in the direction of worship in the Islamic government is the need for coordination in the development of human values and bringing man to divine perfection. The dimensions in which the Islamic government can work to achieve the aforementioned goal are in the three core parts of the Islamic religion, which are: beliefs, ethics, and jurisprudence.



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/0000000000000000000000>

ترسیم وضعیت آرمانی در مسیر عبودیت در حکومت اسلامی از منظر شهید مطهری

حمید رضا منیری

استادیار دانشگاه مازندران

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

متن چکیده

مسئله ترسیم وضعیت آرمانی در مسیر عبودیت در حکومت اسلامی از منظر شهید مطهری که آثارش از نظر صحت و غنای محتوا مورد تایید امامین انقلاب اسلامی بوده است، ضروری می باشد. به همین منظور مقاله حاضر تلاش دارد بر اساس چارچوب نظری اسپریگنز شاخصه های وضعیت آرمانی در مسیر عبودیت در حکومت اسلامی بر اساس دیدگاه شهید مطهری را بررسی نماید. به این منظور و با روش تفسیر متن به متن به عنوان روش عملیاتی، سطوح و مراتب مختلف انسانها در سه دسته (مقربین، اصحاب الیمین و مکذبین) تبیین شد. سپس بر اساس این تقسیم بندی، مهمترین بحران در مسیر عبودیت، فاجر و مکذب شدن انسان می باشد و دلایل بحران در مسیر عبودیت عبارتند از: الف: خواسته های صرف مادی؛ ب: تکذیب معاد و آخرت. تصویر مطلوب و آرمانی انسان در مسیر عبودیت زمانی رخ می دهد که انسان به مرتبه و مقام ابرار و سپس مقربین برسد. راه حل برطرف کردن این مسائل در شکل گیری حکومت اسلامی بعنوان نهاد و تقویت جایگاه علماء و نوابغ بعنوان افراد تاثیرگذار در جامعه، می باشد. هر علم مفید و نافع برای جامعه اسلامی با محوریت کتاب و سنت و اجتهاد، منابع الگوی حکومت اسلامی در مسیر عبودیت در حکومت اسلامی محسوب می شود. هدف غایی حکومت اسلامی در مسیر عبودیت در نظام اسلامی، لزوم هماهنگی در رشد ارزشهای انسانی و رساندن انسان به کمال الهی هست. ابعدی که حکومت اسلامی می تواند جهت رسیدن به هدف مذکور فعالیت کند عبارتند از: بُعد معرفتی، معنوی و احکام. واژگان کلیدی: وضعیت آرمانی عبودیت، حکومت اسلامی، دسته بندی انسانها و شهید مطهری.

کلیدواژه ها:

علل اربعه، نظام معنایی انقلاب اسلامی، خواهش های جامعه و شهید مطهری.

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>

۱. مقدمه و بیان مساله

یکی از مسائلی که می باید مورد توجه پژوهشگران انقلاب اسلامی قرار بگیرد، مسئله ترسیم وضعیت آرمانی در مسیر عبودیت در نظام اسلامی می باشد چراکه در آن صورت یکی از مهمترین ویژگی های مشروعیت بخش انقلاب اسلامی، حرکت در آن مسیر خواهد بود. از آن جا که سیر نظام اسلامی در وضعیت آرمانی مسیر عبودیت، منوط به شناخت صحیح و دقیق آن می باشد، و این شناخت می باید بر اساس چارچوب و ملاکی باشد، غالبا راه حل های ارائه شده در این زمینه، علمی و دقیق نبوده است. بی شک راهبرد اصلی نظام در راستای تقویت و بهبود مسیر پیش روی، ترسیم وضعیت آرمانی مذکور و سپس برنامه ریزی بر اساس آن و برآورده نمودن خواسته های جامعه در راستای عبودیت می باشد تا بعنوان یک منشور بسیار مهم، عملیاتی و اجرایی شود. اما مسئله این است که شاخصه های آن وضعیت آرمانی بر اساس نظر شهید مطهری بعنوان یکی از کلیدی ترین رهبران فکری انقلاب اسلامی به خوبی تبیین نشده است.

دلیل محور بودن دیدگاه شهید مطهری در این پژوهش این است که بدون شک یکی از مناسب ترین آثار از نظر صحت و غنای محتوا و پرداختن به شبهات القایی زمان، برای معرفی مکتب اسلام و انقلاب اسلامی، آثار استاد شهید مطهری است، خصوصا که مهر تأیید امام خمینی ره و مقام معظم رهبری نیز آن را مزین کرده است. وسعت نگرش، قدرت اندیشه، ایمان استوار، دلدادگی به معارف الهی، استاد شهید را به یکی از بزرگ ترین مدافعان و مبلغان دین در ایران معاصر تبدیل کرده است. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۱۷۸) گواه این مطلب این است که با توجه به اینکه در عصر ایشان، انقلاب اسلامی و حتی خودشان با انواع هجمه های فکری ایدئولوژی های چپ، لیبرال و ملی گرای روشنفکران و ایدئولوژی غربگرا - باستان گرای رژیم پهلوی مواجه بودند (صدرا و محمود پناهی، ۱۳۹۴: ۲۰۶) اما ایشان معتقد بودند در میان مکتب ها و مسلک ها و دین ها و آیین ها، تنها اسلام است که قدرت پاسخ گویی به نیازهای جامعه را دارد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱۶: ۲۹) زیرا اسلام نیازهای انسان را به طور دقیق درک کرده است. جهان بینی اسلام، احکام و معارف اسلام این امر را نشان می دهد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۳۰: ۲۵۵) از سوی دیگر ایشان در مورد ماهیت انقلاب اسلامی معتقد بودند مشخص اصلی و اساسی انقلاب اسلامی ایران این است که یک انقلاب ایدئولوژیک است نه صرفا یک انقلاب مادی طبقاتی و یا یک انقلاب لیبرالیستی و آزادی خواهانه. ایشان معتقد بودند اسلام یک مکتب جامع است، علت عمده ای که این انقلاب اسلامی را در جهان بی نظیر ساخته این است که در این انقلاب تعرض به بی عدالتی هم رنگ اسلامی به خود گرفت. (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۴: ۲۰۴)

اهمیت این پژوهش در این است که با توجه به اینکه انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (در ابعاد مختلف فکری، فرماندهی و معماری انقلاب اسلامی) و رهبری فکری اشخاصی همانند شهید مطهری (در تبیین ایدئولوژی انقلاب اسلامی) شروع شد و سپس بوجود آمد، ترسیم وضعیت آرمانی در مسیر عبودیت در نظام اسلامی، می تواند گام مهمی در مسیر تبیین مشروعیت و حتی کارآمدی نظام اسلامی برآمده از انقلاب اسلامی باشد. فرضیه این تحقیق این است که نظریه بحران اسپریگنز، پتانسیل لازم را جهت تبیین شاخصه های وضعیت آرمانی در مسیر عبودیت در نظام اسلامی بر اساس دیدگاه شهید مطهری دارد. از این رو بر اساس چارچوب نظری اسپریگنز، سوال ذیل در این زمینه مطرح می شود الف: بحران اصلی در مسیر عبودیت در نظام اسلامی چیست؟ ب: دلایل بحران مذکور چیست؟ پ: وضعیت آرمانی در این مسیر چیست؟ ت: ارائه راه حل و درمان ترسیم وضعیت آرمانی چیست؟ لذا محقق در این پژوهش برآن است تا با بهره گرفتن از نظریه بحران اسپریگنز، مسئله وضعیت آرمانی در مسیر عبودیت در حکومت اسلامی از منظر شهید مطهری را ترسیم نماید.

۲. اهداف و پرسش های پژوهش

هدف پژوهش حاضر ترسیم وضعیت آرمانی در مسیر عبودیت در نظام اسلامی بر اساس دیدگاه شهید مطهری می باشد. در این راستا پرسش های پژوهش عبارتند از:

۱. بحران اصلی، دلایل بحران و وضعیت آرمانی در مسیر عبودیت در نظام اسلامی چیست؟

۲. ارائه راه حل و درمان بحران جهت ایصال افراد جامعه به وضعیت آرمانی چیست؟

۳. پیشینه پژوهش

با کنکاش در عنوان و موضع پژوهش، کتب و مقالاتی بعنوان پیشینه پژوهش که ترسیم وضعیت آرمانی در مسیر عبودیت در نظام اسلامی از منظر شهید مطهری را بررسی علمی کرده باشد، دیده نمی شود اما تحت عناوین دیگر می توان موضوع حاضر را رصد نمود. نظریه و سپاهی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان « رابطه معنویت و الاهیات از دیدگاه مک گراث و شهید مطهری » به بررسی دیدگاه این دو متفکر درباره رابطه معنویت و الاهیات با رویکرد مقایسه ای و به روش توصیفی تحلیلی براساس آثار آنها پرداخته اند. فرشایف زیرک کار و سوریان (۱۳۹۷) در پژوهش دیگری با عنوان « نقد و بررسی رابطه دین و معنویت از دیدگاه ملکیان با تکیه بر دیدگاه شهید مطهری و جوادی آملی » تلاش کرده اند تا با مقایسه اندیشه های آنان بخصوص شهید مطهری به تحلیل و نقد نظریات ملکیان پرداخته شود. سلطانی رنایی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان « مؤلفه های اخلاق اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبایی و شهید مطهری » تلاش کرد به بررسی مهم ترین مولفه ها در زمینه اخلاق اجتماعی از منظر این دو متفکر بپردازد. و رضمانی (۱۳۹۲) در مقاله ای با عنوان « نظریه ی «استخدام» و خاستگاه ارزشی «عدالت» از دیدگاه علامه طباطبایی (بر اساس تفسیر شهید مطهری، استاد مصباح یزدی و استاد جوادی آملی) » سعی کرده نظریه علامه طباطبایی را در مورد موضوع عدالت با تفاسیر شهید مطهری و دیگران نقد و بررسی نماید. با بررسی های به عمل آمده بر روی پژوهش های انجام شده در این زمینه می توان گفت، تاکنون اثر علمی با بهره گرفتن از چارچوب نظری اسپریگنز، وضعیت آرمانی در مسیر عبودیت در حکومت اسلامی از منظر شهید مطهری را ترسیم نماید، دیده نشده است از این رو این پژوهش درصدد است به این مهم بپردازد.

۴. چارچوب نظری تحقیق

تحقیقات کیفی، برخلاف پژوهش های کمی که مبتنی بر یک چارچوب نظری جهت نظریه آرمائی هستند، از چارچوب مفهومی استفاده می کنند. چارچوب مفهومی مجموعه مفاهیم به هم مرتبطی را شامل می شود که بر مفاهیم عمده مورد مطالعه تمرکز دارد و آن ها را در قالب یک نظام منسجم و مرتبط معنایی به همدیگر پیوند می دهد. توماس اسپریگنز در کتاب فهم نظریه های سیاسی (۱۳۷۹) جستاری را ارائه داد که ابزار تفکر منطقی درباره مسائل سیاسی و متفکران سیاسی را فراهم کرده است. وی مدعی است که اندیشمندان سیاسی هر دوران به شدت واقع گرا هستند و اندیشه های سیاسی آنان در پاسخ به مشکلات محیط سیاسی آنان است. تلاشهای آن ها بر این است که تصویری جامع و درک نسبی از دنیای سیاست ارائه دهند از اینرو مسائل و مشکلات نقطه آغازین مسائل سیاسی است. (زیتی چشمه سرده، ۱۳۹۴: ۹۹)

کوشش های اسپریگنز در راستای فهم نظریه های سیاسی، که باید خط تمایزی میان آن و روش اندیشیدن سیاسی ترسیم کرد، چارچوبی نظری، فلسفی، منطقی و کاربردی ارائه می دهد که به مدد آن می توان منطق درونی هر نوع نظریه پرداز را کشف نمود. از دید وی هدف نظریات سیاسی، فراهم ساختن بینشی همه جانبه از جامعه سیاسی با نگاهی انتقادی به منظور درک و فهم پذیر شدن آن و فهم نارسایی ها و کاستی های آن و بازگرداندن سلامت به جامعه از طریق مواجهه با ریشه های بی نظمی و غلبه بر آن هاست. به عبارت دیگر، می توان هدف و غایت نظرات سیاسی از دید اسپریگنز را نوعی درمان روانی جامعه سیاسی دانست. اسپریگنز، (۲۲-۶۴: ۱۳۷۹) نظریه بحران اسپریگنز به مثابه یکی از مهمترین روش های فهم اندیشه سیاسی، دارای چهار مرحله است: مشاهده و شناسایی بحران، تحلیل و جست و جو در خصوص ریشه بحران، ترسیم نظم آرمانی جامعه سیاسی و بالاخره ارائه راه حل و درمان. (زیتی چشمه سرده، ۱۳۹۴: ۱۰۲)

۵. روش تحقیق

این پژوهش از نوع بنیادی است زیرا نتایج این پژوهش می تواند در تبیین راهبردهای بنیادین برای مجموعه نهادهای تصمیم‌گیر در امور فرهنگی، مفید واقع شود. روش‌های گردآوری داده‌های این پژوهش، بصورت کتابخانه‌ای و مطالعه اسنادی می باشد. بر این اساس تمامی آثار علمی شهید مطهری بررسی و جستجو می شود. روش شناسی مورد استفاده در این مقاله، روش شناسی کیفی است. شیوه‌ای از پژوهش، کیفی است که در آن با شیوه‌های غیر کمی و غیر آماری و با استناد به منظومه فکری اندیشمند یا اندیشمندی، نظریه یا الگویی تکوین‌یابد (استراس و کوربین، ۱۳۸۴: ۱۷) برای این مهم از روش مفهوم شناسی و روش تفسیر متن به متن به عنوان روش عملیاتی تحقیق استفاده شده است. (جهت تبیین بیشتر ر.ک: مرتضوی شاهرودی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۵) در این پژوهش مفهوم‌شناسی عبارت است از شناخت مفاهیم مورد استفاده در آثار علمی شهید مطهری و پیدا کردن یک زمینه‌ی ذهنی نسبت به مسئله‌ی مطرح‌شده و روش تفسیر متن به متن به این معناست که برای شناخت مفاهیم، پیش از مراجعه به سایر منابع، از تفسیر متن به متن در آثار شهید مطهری برای تبیین مباحث موجود، استفاده شد. پس از تبیین مفاهیم موضوع در آثار علمی ایشان، در صورت لزوم به بررسی و تطبیق این یافته‌ها با مفاهیم متناظر در متون و منابع دینی، گفتمان انقلاب اسلامی، قول بزرگان یا تحلیل و تبیین‌های پژوهشگران از آثار شهید مطهری، نیز پرداخته شد.

۶. یافته‌های پژوهش

۶-۱. مشاهده بحران از منظر شهید مطهری

بر اساس چارچوب روش شناسی بحران، از منظر شهید مطهری باید مشخص کرد که بحران و آسیب اصلی در مسیر عبودیت چیست. بر اساس دیدگاه شهید مطهری سطوح و مراتب مختلف نفوس در انسان‌ها از سطح پایین تا سطح متعالی و در مراحل مختلف رشد بر اساس حرکت جوهری نظریه پردازی می شود. با این بیان که هر موجودی از موجودات درهستی یک پارچه در حال حرکت و تحول هستند که به تعبیر ملاحظه‌ای این حرکت جوهری، عبادتی فطری است (ملاصدرا، ۱۳۸۵: ۴۰۴) ملاصدرا برخلاف ابن سینا تکامل در جوهر را صحیح می‌داند و قایل است نفس انسان صدها تغییر و تکامل جوهری پیدا می‌کند تا به این مرحله می‌رسد. (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۸: ۵۴) البته این حرکت به تعبیر ملاصدرا در تمام انسان‌ها به یک اندازه نمی باشد چراکه ای بسا آدمیان به نفس حیوانی زنده اند و هنوز به مقام دل نرسیده اند. چه جای مقام روح و مافوق آن از اسفل سافلین تا اعلی علیین درجات و مقامات افراد بشر می باشد (ملاصدرا، ۱۳۴۰: ۲۶) بنابراین از منظر شهید مطهری انسان موجودی است که همواره در مسیر کمال در حال حرکت است. حتی ایشان قایل است زمانی هم که انسان ضدکمال حرکت می‌کند، در حال به فعلیت کمال رساندن قوه‌ای از قوای خود می باشد. (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۳: ۹۳-۱۱۳) شهید مطهری بر اساس مبنای حرکت جوهری قایل است نفس در طول مدتی که کسب معلومات می‌کند به منزله یک صفحه یا جسم بی‌رنگ و نقشی است که تدریجاً صور و نقوشی بر آن ثبت می‌گردد. (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۵: ۲۴۹-۲۵۰) زیرا ماده انسانی به گونه‌ای آفریده شده که در آن آمادگی که در آن استعداد و آمادگی انتقال به هر صورتی از صور و اتصاف به هر صفتی از صفات می‌باشد. (ملاصدرا، ۱۹۸۱م: ج ۷: ۱۸۴) در این الگو، انسان‌ها در مراحل مختلف رشد از سطح پایین تا سطح متعالی تنوع می‌یابند، لذا برای ترسیم وضعیت آرمانی در نظام اسلامی، باید به ازای مراتب مختلف انسانی (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱۵: ۵۵۷)، سخن گفت. از این رو لازم است تا سطوح نفس که حقیقت یک انسان می باشد، بررسی گردد.

با حفظ مطالب پیشین بر اساس دیدگاه شهید مطهری، سطوح و مراتب مختلف نفوس از سطح پایین تا سطح متعالی و در مراحل مختلف رشد، انسانها بر اساس آیه: «فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ، فَرَوْحٌ وَ رِيحَانٌ وَ جَنَّةٌ نَعِيمٌ» به سه دسته تقسیم می شوند: مقربین، اصحاب الیمین و مکذبین (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۴: ۵۵۷) زیرا وضعیت این افراد در این دنیا و بعد از مرگ باهم متفاوت می باشد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۴: ۵۸۲) از این سه دسته، دو دسته اهل سعادتند یعنی سابقین و اصحاب یمین و یک دسته اهل

شقاوتند که فجار و مکذبین می-باشند (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۴: ۵۵۷) لازم به ذکر است اهل سعادت تفاوت‌هایی با هم دارند. قرآن سابقین را «مقربان» می‌نامد ولی اصحاب یمین را مقربان نمی‌نامد. شاید بتوان آنها را «ابرار» نامید (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۷: ۱۰۱-۱۰۲) لذا گروه صلحا خودشان دو گروه هستند: گروه سابقین و گروه اصحاب یمین (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۸: ۵۲۰) بنابراین مقربین حد اعلی‌ها هستند و اصحاب الشمال در پایین ترین مرتبه و اهل جهنمند، و اصحاب الیمین نسبت به دو گروه مذکور از متوسطین از حیث مرتبه می‌باشند (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۴: ۶۰۴) نظیر این تقسیم‌بندی انسانها به سه گروه که در قرآن است، به تعبیر دیگری در حدیث هم آمده است. «الدنیا حرام علی اهل الآخرة و الآخرة حرام علی اهل الدنیا و کلاهما حرامان علی اهل الله». «دنیا (یعنی دنیاپرستی) حرام است بر اهل آخرت، و آخرت حرام است بر دنیاپرستان و هر دوی اینها (یعنی پرستش و خواستن اینها) حرام است بر اهل الله.» اهل الله همان مقربین هستند، اهل الآخرة همان ابرار هستند و اهل الدنیا همان فجار هستند. (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۸: ۴۵۴)

بنابراین از منظر ایشان مهمترین بحران در مسیر عبودیت این است که انسانها جزء فجار بشوند زیرا از منظر قرآن و سنت این افراد عاقبت بسیار بدی در آخرت دارند و از جهنمیان محسوب می‌شوند «ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا» سپس برای وی جهنم را قرار داده‌ایم که نکوهیده و رانده شده وارد آن می‌گردد. (اسراء/ ۱۸-۱۹)

۲-۶. دلایل بحران

مرحله دوم براساس چارچوب روش شناسی بحران، فهم دلیل بحران از منظر شهید مطهری می‌باشد. ایشان دلیل ذیل را موجب فجار و مکذبین شدن انسان می‌داند:

- الف: نگاه صرف با امور دنیوی؛
دسته‌ای از انسانها توجه صرف به بُعد جسمانی و مادی دارند و بدنبال نیازهای حیوانی، دنیایی و اموری که راجع به رفاه و حیثیتی که در این عالم هست، جهت برآوردن مصالح عمومی و اجتماعی، می‌باشند (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۳۸۹) از منظر شهید مطهری خواسته‌های صرف دنیوی، خواسته‌های سطح حیوانیت انسان محسوب می‌شود (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۸: ۴۵۱) لذا به هر اندازه که انسان وابستگیهای حیوانی و شهوانی اش زیاد باشد، اراده انسانی اش ضعیف و ناتوان است (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۵: ۱۷۱) از این رو می‌توان گفت این دسته از انسانها در رتبه بهایم و چهارپایان می‌مانند زیرا نفسشان نفس شهوی است و خواسته‌های صرف حیوانی دارند (ملاصدرا، ۱۹۸۱م، ج ۷: ۱۸۴) بطور کلی می‌توان گفت بر اساس حرکت جوهری انسان در ابتداء در مرتبه یک حیوان است و لذا خواسته‌هایش در حد حیوانات در راستای شهوت و غضب می‌باشد از این رو اگر خواسته‌های انسان در حد خواسته‌های حیوانی صرف بماند، چون یک موجودی است که به حسب خلقت از همه موجودات بالاتر هست، شهوت، غضب، شیطنت او می‌تواند تا تقریباً لامتناهی بالا برود. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۴۵۰ - ۴۴۹)
بنابراین اگر نفس حیوانی انسان مهار نشود، از همه حیوانات درنده تر و مودیت‌تر خواهد شد (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۲۴۷-۲۴۸) لذا منحصر کردن محرکهای انسان در انگیزه‌های مادی، ضربه بسیار بزرگی به پیکره معارف اسلامی می‌زند زیرا معارف اسلامی و انسان‌شناسی اسلام بر اساس انگیزه‌های صرف مادی نیست (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۹: ۲۲۶)

- ب: تکذیب معاد و آخرت؛
تکرار جمله «وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ» در قرآن اهمیت مسئله تصدیق و تکذیب را برای انسان نشان می‌دهد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۸: ۲۵۴) ارزش و اهمیت تکذیب معارف و شناخت هستی، مربوط به مسائلی است که در نظر انسان به جهان چهره خاص می‌دهد، مسائلی که اساساً راه انسان را تغییر می‌دهد، لذا قرآن پی‌درپی می‌گوید: وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ

لِلْمُكْذِبِينَ، یعنی تکذیب کنندگان معاد و يوم الآخر. (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۸: ۲۷۸) از این دین اسلام رو آنقدر به افکار و عقاید مردم اهمیت می دهد و برای این تصدیق و تکذیبها به آموزهای دین ارزش قائل است که اصلاً می گوید ماهیت اصلی انسان این تصدیق و تکذیبها می باشد، اگر حقایق دین را تصدیق کند آن وقت به سعادتش می رسد، و اگر تکذیب کند بکلی از بین رفته است و مصداق «وَبَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكْذِبِينَ» می شود (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱۵: ۸۲۰)

۳-۶. وضعیت آرمانی

مرحله سوم براساس چارچوب روش شناسی بحران، ترسیم و تصویر وضعیت آرمانی از منظر شهید مطهری می باشد. به طور کلی از منظر ایشان، تصویر مطلوب و آرمانی انسان در مسیر عبودیت زمانی رخ می دهد که انسان به مرتبه و مقام ابرار و سپس مقربین برسد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۷: ۱۰۱-۱۰۲) که اجمالاً ویژگی های آنها تبیین می شود:

- الف: اصحاب الیمین (ابرار): اصحاب یمین یعنی یاران دست راست، یا یاران راست. این افراد متوسطین اهل سعادت هستند (نسبت به مقربین و فجاری) (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۴: ۵۵۷) آنچه از قرآن در مورد این افراد فهمیده می شود این است که وضع آنها هم خیلی خوب است لذا می فرماید «فَسَلَامٌ لَّكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ» درود از برای تو از ناحیه اصحاب یمین. (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۴: ۵۵۷) قرآن اصحاب یمین را مقربان نمی نامد. شاید بر آنها همان تعبیر «ابرار» صدق می کند یعنی نیکان، ولی آنها را مقربین نمی نامد که تقریباً یعنی باریافتگان، نزدیک شدگان، آنهایی که به مقام الوهیت نزدیکند، خود را نزدیک کرده اند، به مقام قرب رسیده اند. (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۷: ۱۰۲-۱۰۱) اینگونه افراد که قرآن به آنها بشارت رحمت داده است از متوسطین هستند که همیشه در جوامع از حیث کمیت غلبه دارند (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۴: ۶۰۴) از منظر شهید مطهری این افراد از سعادت مندان هستند و لی به درجه و مرتبه مقربین نمی رسند. (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۷: ۹۲)
- ب: مقربین (سابقین): این دسته از انسانها از حیث مرتبه در عبودیت ما فوق اصحاب شمال (مکذبین) و اصحاب یمین هستند، نه یاران راستند و نه یاران چپ. (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۷: ۱۰۲) مقربین از نظر قرآن آنهایی هستند که گوی سعادت را به حد اعلی ر بوده اند. لذا مقربین در رُوح و ریحان و در یک راحت و آسایشی و در جنت پر از نعمتی هستند. (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۴: ۵۵۷) ویژه گی بارز مقربین این است که کتاب و نوشته ابرار را شهود و معاینه می کنند «يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ» از اینجا فهمیده می شود که مقربین مقام بالاتری از ابرار دارند (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۸: ۴۵۱) لذا در آخرت حسابرسی ندارند (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۸: ۴۶۶) چرا که فقط و فقط آنها از تسنیم (چشمه و آبی است که از «رحیق» خیلی بالاتر و برتر و به تعبیری چشمه معنویت است) معنویت می نوشند لذا اختلاف مقربین و ابرار روشن است (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۸: ۴۵۳)

۴-۶. ارائه راه حل و درمان

همانطور که در سطور گذشته تبیین شد، شهید مطهری در صورتی که انسان به مرتبه فجار برسد را بعنوان بحران اصلی در مسیر عبودیت می داند و تکذیب معاد و آخرت و نگاه صرف با امور دنیوی را بعنوان ریشه بحران شناسایی کرده اند و در ادامه راه حل برطرف کردن این مسائل را در شکل گیری و تقویت موارد ذیل می دانند:

۱-۴-۶. ترسیم نقشه راه تشکیل حکومت مطلوب اسلامی به مثابه راه حل

از منظر شهید مطهری جهت ترسیم وضعیت آرمانی در نظام اسلامی جهت رساندن افراد جامعه به مرتبه و مقام اصحاب الیمین (ابرار) و سپس مقربین (سابقین) منوط به وجود نهادها و افراد تاثیرگذار می باشند که عبارتند از:

الف: تشکیل و تقویت کارویژه های حکومت اسلامی؛

- بی شک مهمترین نهاد در ترسیم وضعیت آرمانی در نظام اسلامی جهت رساندن افراد جامعه به مرتبه و مقام اصحاب الیمین (ابرار) و سپس مقربین (سابقین)، نهاد حکومت می باشد. اهمیت نهاد حکومت به آن اندازه است که، می توان گفت اسلام چیزی جز نهاد حکومت، احکام شرعی و قوانینی که یکی از شئون نهاد حکومت است، نمی باشد. (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۳: ۱۹۴) از این رو تشکیل و تقویت کارویژه های نهاد حکومت، با لحاظ به موارد ذیل مهم ترین راه حل در نظام اسلامی جهت ایصال افراد جامعه به اصحاب الیمین (ابرار) و مقربین (سابقین) می باشد:
 - حفظ استقلال مکتبی؛
 - از آنجا که حکومت اسلامی از منظر شهید مطهری حق کلیدی راهبری در عرصه فرهنگی را دارا می باشد و حدود و قلمرو مداخله حکومت اسلامی در عرصه فرهنگ بسیار وسیع می باشد (باقی نصرآبادی، ۱۳۹۹: ۲۷۸-۲۷۷) لذا حکومت اسلامی اگر مکتب مستقل خود را ارائه نکند و در نتیجه جذب مکتبهای دیگر شود، اهداف اولیه و اصلی اش به نتیجه و ثمر نمی رسد. (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۴: ۲۴۵) لذا ایشان معتقد بود برای آینده حکومت اسلامی خطرناک است که نظام حق اسلام را با باطل مکاتب دیگر بیامیزد و از آنها یک معجون به وجود بیاورد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۴: ۱۷۹)
 - ادامه دادن مسیر عدالت خواهی؛
ایشان در این راستا در مورد ماهیت انقلاب اسلامی معتقد است ماهیت آن عدالت خواهانه، آزادی خواهانه، استقلال خواهانه البته بر مدار اسلام بوده است (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۴: ۱۷۴) از این رو آینده انقلاب در صورتی حفظ و تداوم پیدا خواهد کرد که در مسیر خواسته های انسانی بر مدار آموزه های اسلام برای همیشه ادامه بدهد. یعنی دولت های آینده واقعا و عملا در مسیر عدالت اسلامی گام بردارند، برای پر کردن شکافهای طبقاتی اقدام کنند، تبعیضها را واقعا از میان ببرند؛ جامعه توحیدی به مفهوم اسلامی، جامعه بی طبقه به مفهوم را ایجاد کنند. (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۴: ۱۷۴)
 - مواجهه صریح و رُک و روشن با افکار مخالف؛
از منظر ایشان حکومت اسلامی می تواند فضایی را برای ارایه نظرات موافق و مخالف مهیا نماید زیرا از اسلام فقط با یک نیرو می شود پاسداری کرد و آن منطق و آزادی دادن و مواجهه صریح و رُک و روشن با افکار مخالف است (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۴: ۱۳۱) لذا حکومت اسلامی در راستای پاسخ به نیاز به آزادی که یک خواسته انسان در مسیر عبودیت جامعه می باشد، می بایست اجازه دهد مخالفان تفسیر خودشان را درباره انسان، تاریخ و جامعه آزادانه بگویند و حکومت هم حرف خودش را بزند چرا که وجود زمینه های آزادی های مشروع سبب رشد اسلام خواهد شد. (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۴: ۱۷۴-۱۷۵)

۲-۴-۶. افراد تاثیر گذار؛

الف: علماء؛ جهت ترسیم وضعیت آرمانی در نظام اسلامی جهت رساندن افراد جامعه به مرتبه و مقام اصحاب الیمین (ابرار) و سپس مقربین (سابقین)، بدلائیل ذیل علما از افراد تاثیر گذار محسوب می باشند:

- دارا بودن ولایت سیاسی و اجتماعی فقهاء؛
شهید مطهری همانند امام خمینی قائل است فقهاء همانند پیامبر اسلام دارای مقام افتاء، قضاوت و ولایت سیاسی و اجتماعی می باشد. (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۳: ۲۸۲)

- هرگونه صلاح و فساد در امور مسلمانان بواسطه فقهاء می باشد؛
از منظر ایشان قدر مسلم آن است که هرگونه صلاح و اصلاحی در کار مسلمین، یا باید مستقیماً به وسیله این سازمان که سمت رسمی رهبری دینی مسلمین را دارد صورت بگیرد، یا لاقلاً این سازمان با آن هماهنگی داشته باشد. (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۴: ۴۸۳) از این رو حاملان فرهنگ اصیل و عمیق و ذی‌قیمت اسلامی تنها در میان این گروه یافت می‌شوند (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۴: ۵۰۹)
- فقهاء پتانسیل زیادی در عرصه کالاهای فرهنگی در زمینه های مختلف اجتماعی، حقوقی، اخلاقی، اعتقادی به دنیای علم دارند (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۴: ۲۸۲)

ب: نخبگان و نوابغ؛ جهت ترسیم وضعیت آرمانی در نظام اسلامی جهت رساندن افراد جامعه به مرتبه و مقام اصحاب الیمین (ابرار) و سپس مقربین (سابقین)، نخبگان و نوابغ بدلائیل ذیل از افراد تاثیرگذار می باشند:

- فهم معنی نابغه؛
در این راستا ابتداء باید مشخص شود نابغه چه کسی است و چه ویژگی های دارد؟ از منظر ایشان نابغه آن کسی است که از یک هوش و یک اراده خارق‌العاده‌ای برخوردار است که در اثر این هوش و اراده خارق‌العاده خود بهتر از دیگران طبیعت تاریخ را شناخته و توانسته است نیروهای تاریخی را به خدمت بگیرد، یعنی در جهت آن آگاهی صحیح و شناختی که داشته توانسته است نیروهای تاریخ را استخدام کند و به حرکت درآورد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱۵: ۶۱)
- تحریک جامعه توسط نخبگان؛
نخبگان و نوابغ از منظر شهید مطهری نباید بر ضد خواست جامعه عمل کند زیرا جامعه تابع هوس اوست. با این بیان که بواسطه اینکه در مردم یک فطرت الهی و دینی وجود دارد (بعنوان یک قوه منفعل)، نابغه بعنوان قوه فاعله، می تواند آن نیروی منفعل در جامعه را به حرکت دربیآورد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱۵: ۱۵۳) بنابر تعریف شهید مطهری از نابغه، نخبه سیاسی کسی است که فرهنگ جامعه خود را به طور صحیح و واقع‌گرایانه می شناسد، می تواند نیازهای واقعی و کاذب را از یکدیگر تفکیک کند و نیاز واقعی مردم را تشخیص دهد و با قوه مدیریت خود، نیروهای منفعل و پراکنده جامعه را با خود همراه سازد و رهبری یک جریان یا نهضت سیاسی را بر عهده گیرد. (قاسمی و نصرت پناه، ۱۳۹۹، ص ۱۴۸)
- ارایه نظریه پردازی بر اساس نیاز های جامعه؛
از منظر ایشان نخبه‌ای موفق است که نظریه پردازی سیاسی او که پاسخگوی نیازها و مسائل جامعه خود اوست، از دامن فرهنگ همان جامعه نشات گرفته باشد و با آن بیگانه نباشد. به عنوان نمونه در جریان انقلاب اسلامی ایران، طبقه روحانیت با شناخت صحیح حرکت کلی جامعه و تاریخ توانست نیاز روز جامعه را به درستی تشخیص داده و در آن جهت به همگام سازی توده مردم با خود مبادرت کند. (قاسمی و نصرت پناه، ۱۳۹۹، ص ۱۴۸)

با حفظ مطالب گذشته می توان نتیجه گرفت بر اساس دیدگاه شهید مطهری، در مسیر عبودیت در نظام اسلامی، راه حل و درمان بحران مذکور، حکومت اسلامی بعنوان نهاد و علماء و نوابغ بعنوان افراد، مطرح می‌باشند. از طرف دیگر نهاد حکومت اسلامی در کنار علماء و نوابغ نیازمند منابع و مبانی و تبیین هدف حکومت و ابعاد فعالیت حکومت اسلامی جهت نیل به هدف در مسیر عبودیت می باشد که تبیین خواهد شد:

حکومت اسلامی جهت رسیدن به هدفش نیاز به منابع و مبانی دارد. حال برای باید بررسی شود از منظر شهید مطهری منابع و مبانی مذکور در این زمینه چه چیزهایی می باشد. با استناد به دیدگاه شهید مطهری، منابع و مبانی وظایف حکومت اسلامی نسبت به اصحاب الیمین (ابرار) و مقربین (سابقین)، بعنوان متغیر مستقل، شامل علوم نافع برگرفته شده از آموزه های دین اسلام می باشد. ایشان با استناد به حدیث پیامبر اسلام «إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ أَيْهٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ وَ مَا خَلَاهُنَّ فَهُوَ فَضْلٌ» (کلینی، ۱۴۰۷ ه ق، ج ۱: ۳۲) معنی و مقصود حدیث را منحصر در سه علم اعتقادی، اخلاق و احکام نمی دانند و اینگونه استدلال می کنند: این کلام متوجه حال آن روز مسلمین بوده و این حصر تقییدی در صدر حدیث وارد نمی کند که اگر علمی به حال مسلمین نافع بود، همان نفعی که مورد پسند اسلام است و اسلام آن را نفع می داند، آن علم نیست. (مطهری، بی تا، ج ۶: ۳۵۹). لذا ایشان معتقد است جامعیت و خاتمیت اسلام اقتضا می کند که هر علم مفید و نفعی را که برای جامعه اسلامی لازم و ضروری است علم دینی بخوانیم. (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۳۰: ۱۵۲)

از سوی دیگر اندیشمندانی همانند امام خمینی ره در استناد به حدیث مذکور، علم نافع را با توجه به سه نشئه آخرت، برزخ و دنیا، در سه شاخه اعتقادی، فقهی و اخلاقی طبقه بندی نمودند (امام خمینی، ۱۳۸۰: ۳۸۶) بنظر می رسد با لحاظ به نظرات شهید مطهری و امام خمینی بتوان اینگونه جمع بندی نمود که گرچه علم از منظر دین اسلام، منحصر در علوم اعتقادی، فقهی و اخلاقی نمی باشد، ولی با بررسی حدیث مذکور، خصوصا با توجه به «وَ مَا خَلَاهُنَّ فَهُوَ فَضْلٌ» (کلینی، ۱۴۰۷ ه ق، ج ۱: ۳۲)، می توان اینگونه استنباط کرد که از منظر شهید مطهری هم علوم اعتقادی، فقهی و اخلاقی از علوم نافع، محوری و اصلی است. با حفظ مطالب پیش گفته از منظر شهید مطهری علوم نافع با ملاحظه نکات ذیل محقق می شود:

الف: محوریت کتاب و سنت؛

ایشان معتقدند جامعه اسلامی از بدو تشکیل، بر محور کتاب و سنت تأسیس شد. این جامعه مقررات و قوانین خود را اعم از عبادی یا تجاری یا مدنی یا جزائی یا سیاسی از منبع وحی الهی دریافت می کرد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۳: ۱۹۹) لذا هر جا که تکلیف یک حادثه در قرآن بطور صریح بیان شده است و یا سنت قطعی در میان است و یا دسترسی به شخص رسول خدا و یا ائمه معصومین (از نظر شیعه) ممکن بود، بر اساس کتاب و سنت عمل می شود (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱: ۵۵)

ب: اجتهاد؛

ایشان معتقدند هر جا که آیه صریح یا سنت قطعی وجود نداشت و دسترسی به معصوم نبود، پای اجتهاد و استنباط به میان می آید (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱: ۵۵) در اسلام کلیات دین به گونه ای تنظیم شده است که اجتهاد پذیر است. اجتهاد یعنی کشف و تطبیق اصول کلی و ثابت بر موارد جزئی و متغیر. علاوه بر نحوه تنظیم کلیات اسلامی که خاصیت اجتهاد پذیری به آنها داده است، قرار گرفتن عقل در شمار منابع اسلامی کار اجتهاد حقیقی را آسان کرده است (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۲۴۱) بر اساس مطالب پیش گفته در راستای دیدگاه شهید مطهری، منابع و مبانی وظایف حکومت اسلامی نسبت به اصحاب الیمین (ابرار) و مقربین (سابقین)، عبارتند از:

۱-۳-۴-۶. شناخت و ایمان به منابع اعتقادی دین اسلام؛ بر اساس نظر شهید مطهری یکی از مهم ترین منابع

محوری حکومت اسلامی نسبت به اصحاب الیمین (ابرار) و مقربین (سابقین)، شناخت و سپس ایمان به منابع اعتقادی دین اسلام است که اهم آن ایمان به وحدانیت خدا، فرشتگان، کتابهای آسمانی، پیغمبران و روز قیامت می باشد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱: ۳۵۸) از این رو اعتقاد و ایمان به خدا از مفیدترین و لازم ترین معتقدات بشر در زندگی است زیرا اعتقاد و ایمان به خدا از نظر فردی آرامش دهنده روح و روان و پشتوانه فضائل می باشد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۶: ۹۱۰) لازم به ذکر است از منظر ایشان مبانی شناختی

و اعتقادی با ملاحظه نکات ذیل از مهم ترین منابع محوری حکومت اسلامی نسبت به اصحاب الیمین (ابرار) و مقربین (سابقین) می باشد:

الف: صعود به سوی خداوند با شناخت و ایمان محقق می شود؛ ایشان قایل بودند اشتباه است اگر بیندازیم اعمال کسانی که ایمان به خدا و قیامت ندارند، به سوی خدا صعود می نمایند (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱: ۳۰۴)

ب: ایمان به خدا و روز رستاخیز، شرط اساسی و لازم حسن فاعلی است؛ لذا ایشان معتقد بودند این شرطیت یک شرطیت قراردادی نیست، یک شرطیت ذاتی و تکوینی است مانند شرطیت هر راه معین برای مقصد معین (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱: ۳۰۷)

پ: اعتقاد و ایمان به خدا با آزاد و مختار بودن انسان مساوی می باشد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱: ۵۲۶)

۲-۳-۴-۶. بیداری و برانگیختگی درونی بسوی مبدء مطلق؛ در دیدگاه شهید مطهری یکی از منابع محوری حکومت اسلامی نسبت به اصحاب الیمین (ابرار) و مقربین (سابقین)، تلاش در جهت بیداری و برانگیختگی درونی بسوی مبدء مطلق جهت نیل به بالاترین درک وجدانی وجودی از توحید در بستر حرکت به سمت اهداف عالی اسلام می باشد. لازم به ذکر است از منظر ایشان مبانی ارزشی و اخلاقی با ملاحظه نکات ذیل، از مهم ترین منابع محوری می باشد:

الف: نقش مریبان، اجتماع و وراثت در مبانی اخلاقی و ارزشی انسان تعیین کننده می باشد؛ از منظر ایشان اخلاقیات مربوط به روح انسان است و در همین دنیا به وسیله خود شخص، معلمان، مریبان، اجتماع و البته قسمتی از استعدادهای اخلاقی هم بوسیله سرشت و مرحله قبل از تولد انسان، طرح و بنا می شود. (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۷)

ب: سرانجام تاریخ بشر با حاکمیت اخلاق می باشد؛ لذا ایشان قایل است در قرآن کریم سرانجام و سرنوشت تاریخ و ضمنا مسیر و بستر تکامل تاریخ به صورت پیروزی ایمان بر بی ایمانی، پیروزی تقوا بر بی بندوباری، پیروزی صلاح بر فساد، پیروزی عمل صالح و خدایسند بر عمل ناشایسته با استقرار دین یعنی تحقق یافتن همه ارزشهای اخلاقی و اجتماعی اسلام از عدل، عفاف، تقوا، شجاعت، ایثار، محبت، عبادت، اخلاص، تزکیه نفس و غیره، سوم نفی هرگونه شرک در عبادت یا طاعت بیان شده است (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۴۶۲-۴۶۱)

پ: ارزشهای اخلاقی در قالب دین معنی پیدا می کند؛ ارزشهای اخلاقی منتهای مذهب در حکم اسکناس بدون پشتوانه است که زود بی اعتباری اش روشن می شود (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۷۰)

۳-۳-۴-۶. علم همراه با عمل به احکام شرعی فرعی از ادله اربعه؛ در دیدگاه شهید مطهری یکی از منابع محوری حکومت اسلامی نسبت به اصحاب الیمین (ابرار) و مقربین (سابقین)، علم همراه با عمل به احکام شرعی فرعی از ادله اربعه یعنی قرآن، سنت، اجماع و عقل (که همان منابع فقهی است) می باشد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۲۹). لازم به ذکر است از منظر ایشان مبانی فقهی با ملاحظه نکات ذیل از مهم ترین منابع محوری می باشد:

الف: علم فقه از وسیع ترین و گسترده ترین علوم اسلامی است؛ از منظر ایشان تاریخ علم فقه از همه علوم دیگر اسلامی قدیمی تر است و در همه زمانها و در سطح بسیار گسترده ای تحصیل و تدریس می شده است. (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۶۳) مسائل فراوانی که شامل همه شعون زندگی بشر می شود در فقه طرح شده است. مسائلی که در جهان امروز تحت عنوان حقوق طرح می شود با انواع مختلفش: حقوق اساسی، حقوق مدنی، حقوق خانوادگی، حقوق جزائی، حقوق اداری، حقوق سیاسی و در ابواب مختلف فقه با نامهای دیگر پراکنده است. بعلاوه در فقه مسائلی هست که در حقوق امروز مطرح نیست (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۶۳)

ب: تبعیت فقه شیعه از مصالح و مفاسد نفس الامری و قاعده ملازمه حکم عقل و شرع و حق عقل در اجتهاد در احکام (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱: ۵۷)

۴-۶. اهداف حکومت اسلامی در مسیر عبودیت در نظام اسلامی

ایشان معتقد است وقتی شخصی کاری را انجام می دهد، هدف معینی از آن کار دارد که بدان علت غایی می گویند (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۴: ۶۳) هدف غایی حکومت اسلامی در مسیر عبودیت در نظام اسلامی، لزوم هماهنگی در رشد ارزشهای انسانی (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۳: ۱۱۰) و رساندن انسان به کمال الهی و به تعبیر شهید مطهری انسان کامل می باشد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۳: ۱۱۰). انسان در این مرتبه، افزون بر خواسته های مادی و انسانی، تلاش خواسته هایی جهت شکوفایی ارزش های معنوی دارد. مهمترین خواسته انسان در این مرتبه نیازها و لذت های معنوی در راستای آموزه های دین می باشد. از منظر ایشان لذت های معنوی در انسان، هم اصیل است و هم نیرومندتر از لذت های مادی. انسان به هر اندازه آموزش و پرورش در راستای آموزه های دین ببیند، نیازهای معنوی و لذت های معنوی و بالأخره حیات معنوی اش، نیازها و لذت های مادی اش را تحت تأثیر قرار می دهد. جامعه نیز چنین است، یعنی در جامعه های بدوی نیازهای مادی بیش از نیازهای معنوی حکومت دارد ولی به هر اندازه جامعه متکامل تر گردد، نیازهای معنوی ارزش و تقدّم بیشتری می یابند (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۳۹۱) از منظر ایشان خواسته های متعالی انسان است در صورت فعلیت یافتن تقوا محقق می شود (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ص: ۵۰) از این رو در اسلام تنها امتیاز و برتری، برای افراد متقی است که در مرتبه بالاتری نسبت به دیگران قرار دارند به این دلیل که مرتبه انسانیت آنها بالاتر از دیگران است لذا آن چیزی که در اسلام خیلی مهم است، ارج گذاشتن به انسانیت انسان است که با علم و تقواست بدست می آید (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۴۶۴) در این سطح، افسوس عمیق این است که در هیاهوی کوششهای انسان برای نیل به امیال و مقاصد خویش و در غوغای درگیری انسان و طبیعت، حقیقتی بس گرانبها به فراموشی سپرده می شود و آن نفس و جوهر شخصیت انسانی و به تعبیری دیگر «خود انسان» می باشد (امام خمینی، ۱۴۰۹ ه ق: ۵) از منظر ایشان وقتی کمال انسان در شخص محقق می شود (بعنوان انسان کامل) که ملاحظات ذیل مد نظر باشد:

- الف: تحقق معنویت در انسان؛
انسان در اثر پیمودن صراط عبودیت به مقام قرب الهی نائل می گردد و اثر وصول به مقام قرب (البته در مراحل عالی آن) این است که معنویت انسانی که خود حقیقت و واقعیتی است، در وی متمرکز می شود و با داشتن آن معنویت، قافله سالار معنویات، مسلط بر ضمائر و شاهد بر اعمال او می شود. چنین شخصی از منظر ایشان «انسان کامل» است (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۳: ۲۸۵)
- ب: تحقق عدالت در وجود انسان؛
بر اساس دیدگاه شهید مطهری سطوح خواسته های جامعه در سطوح مادی، انسانی و متعالی می باشد اما نکته مهم این است که از منظر ایشان انسان کامل از آن جهت انسان کامل است که یک نظم و هماهنگی و موسیقی مخصوص در همه وجودش حکم فرماست (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۶: ۲۲۶) البته عدالت به معنی توازن، نه تساوی در همه ارکان زندگی او از هر جهت محقق شود (مطهری، بی تا، ج ۶: ۲۲۷)

۵-۶. ابعاد فعالیت حکومت اسلامی جهت نیل به هدف

با توجه به منابع حکومت اسلامی جهت ایصال افراد جامعه به مقام ابرار و مقربین، لازم است از منظر استاد مطهری ابعادی که حکومت اسلامی می تواند جهت رسیدن به هدف مذکور فعالیت کند تبیین شود. از منظر ایشان انسان از نظر خواسته ها و مطلوبها می تواند سطح والایی داشته باشد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۲۳) و اینکه گرایشهای والا و معنوی و فوق حیوانی انسان آنگاه که پایه و زیر بنای اعتقادی و فکری پیدا کند نام «ایمان» به خود می گیرد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۲۴) از آنجا که آموزه های اصلی دین اسلام در سه بخش معرفتی (اعتقادی)، اخلاقی و فقهی می باشد لذا می توان این نتیجه را گرفت که ابعاد فعالیت حکومت اسلامی جهت ایصال جامعه به مقام ابرار و مقربین هم در این سه بخش قرار می گیرد که در ذیل تبیین می شود:

- شناخت و ایمان به منابع اعتقادی دین اسلام؛
حکومت اسلامی در راستای ایصال افراد به مقام ابرار و مقربین، می تواند بگونه ای فعالیت کند که در امتداد ارایه خدمات مادی و انسانی به افراد جامعه، نه تنها نیازهای اعتقادی انسان تضعیف نشوند بلکه تقویت هم بشوند. زیرا در حکومت اسلامی پاسخ به خواسته های جامعه، مقدمه ای است برای نجات از آن ظلمت‌هایی که لازمه اعتقادات باطله و جهل‌های مرکب می باشد (امام خمینی، ۱۳۸۰: ص ۴۳) از این رو نظام اسلامی باید جامعه را به اعتقاد به توحید که ریشه و اصل همه عقاید می باشد، سوق دهد (امام خمینی ۱۳۷۸: ج ۵: ۳۸۷) چراکه انسان نمی‌تواند بدون داشتن ایده و آرمان و ایمان، زندگی سالم داشته باشد و یا کاری مفید و ثمربخش برای بشریت و تمدن بشری انجام دهد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۴۱) لذا حکومت اسلامی می بایست بر اساس این نظام معنایی، امکانات و شرایط لازم را برای جامعه مهیا نماید تا آثار ایمان مذهبی در بخش‌های ذیل محقق شود: الف: ایجاد بهجت و انبساط در جامعه (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۴۶) ب: بهبود روابط اجتماعی (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۴۹) پ: کاهش ناراحتیهای جامعه (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۰)
بیداری و برانگیختگی درونی بسوی مبدا مطلق؛
- همچنین حکومت اسلامی در راستای ایصال افراد به مقام ابرار و مقربین، باید بگونه ای فعالیت کند که در راستای آموزه های اخلاقی باشد زیرا شخصیت انسان به خصایص اخلاقی و روانی اوست (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۰۵) انسان هر چه بیشتر به آن چیزی که صراط مستقیم اوست و کمال اوست وابسته باشد و او را پرستش کند، بیشتر خودش را باز یافته است (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱۳: ۶۰۷) در این راستا عامل اصلی رسیدن به خواسته های متعالی، خود انسان است (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۲۸۹) از این رو حکومت اسلامی در این سطح می تواند با تشویق، توصیه و یا ابزارهای دیگر، اماکن دینی همانند مساجد و یا مراکز فرهنگی که کارکرد اخلاقی دارند را در کنار خواسته هایی همچون نیازهای شهرسازی و یا مسکن، بگنجانند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۲۳۲) بعبارت دیگر حکومت تمام نهادهای مرتبط را به لحاظ کردن پیوست اخلاقی در کنار پاسخ به نیازهای جامعه در قانون و اجرا، موظف نماید.
- علم و عمل به احکام شرعی فرعی از ادله اربعه؛
نهایتا حکومت اسلامی در راستای ایصال افراد به مقام ابرار و مقربین، باید بگونه ای فعالیت کند که تمام ملاحظات فقهی ذیل را لحاظ کند: الف: انطباق کامل قوانین حکومت ها با قواعد دینی و فقهی؛ ب: توجه دادن ماهیت حکومت ها به «فقه‌مداری» و «فقیه‌محوری»؛ پ: ضرورت ایجاد تحول فقهی در حوزه سیاسی، نظامی، اقتصادی، علمی، فرهنگی. در راستای نکات فوق بعنوان مثال می توان گفت قوانین در شهرداری ها بگونه ای اجرا شود که مجوز گرفتن مراکز فروش کالاهای حرام همانند فروش مشروبات الکلی و انواع قمار ممنوع باشد. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۲۴۷) زیرا بی توجهی به خواسته های فقهی توسط حکومت اسلامی موجب نفوذ آثار تمدن غربی در جامعه می شود (مطهری، بی تا، ج ۱۲: ۵۹۸) بعبارت دیگر حکومت می تواند تمام نهادهای مرتبط در قانون را به رعایت الزامی احکام اسلامی، ملزم نماید.

۷. نتیجه گیری

هدف اصلی این مقاله ترسیم وضعیت آرمانی در مسیر عبودیت در نظام اسلامی از منظر شهید مطهری بود. فرضیه این تحقیق این است که نظریه بحران اسپریگنز، پتانسیل لازم را جهت تبیین شاخصه های وضعیت آرمانی در مسیر عبودیت در نظام اسلامی بر اساس دیدگاه شهید مطهری را دارد. به این منظور محقق در اثبات فرضیه این تحقیق به نتایج ذیل دست یافت:

بر اساس دیدگاه شهید مطهری، سطوح و مراتب مختلف نفوس از سطح پایین تا سطح متعالی و در مراحل مختلف رشد، انسانها بر اساس حرکت جوهری، به سه دسته تقسیم می شوند: مقربین، اصحاب الیمین و مکذبین. از این سه دسته، دو دسته اهل سعادتند یعنی سابقین و اصحاب یمین و یک دسته اهل شقاوتند که فجار هستند. بنابراین براساس چارچوب روش شناسی بحران از منظر ایشان مهمترین بحران در مسیر عبودیت این است که انسانها جزء فجار بشوند زیرا از منظر قرآن و سنت این افراد عاقبت بسیار بدی در آخرت دارند و از جهنمیان محسوب می شوند.

دلایل بحران در مسیر عبودیت که موجب میشود انسان از فجار و مکذبین محسوب شود عبارتند از: الف: نگاه صرف با امور دنیوی؛ ب: تکذیب معاد و آخرت. وضعیت آرمانی عبودیت از منظر ایشان این است که انسان به مرتبه و مقام ابرار و سپس مقربین که بالاتر از ابرار است، برسد. در راستای ترسیم وضعیت آرمانی در مسیر عبودیت در حکومت اسلامی، راه حل و درمان، تحقق حکومت اسلامی بعنوان نهاد و تقویت جایگاه علماء و نوابغ بعنوان افراد تاثیرگذار، مطرح می باشد. نهاد حکومت اسلامی در کنار علماء و نوابغ نیازمند منابع و مبانی، تبیین هدف حکومت و ابعاد فعالیت حکومت اسلامی جهت نیل به هدف خود در مسیر عبودیت می باشد که از منظر ایشان عبارتند از:

الف: منابع الگوی حکومت اسلامی در مسیر عبودیت در حکومت اسلامی، هر علم مفید و نافع برای جامعه اسلامی با محوریت کتاب و سنت و اجتهاد می باشد.

ب: هدف غایی حکومت اسلامی در مسیر عبودیت در حکومت اسلامی، لزوم هماهنگی در رشد ارزشهای انسانی و رساندن انسان به کمال الهی و به تعبیر ایشان انسان کامل می باشد که با تحقق معنویت و عدالت در وجود انسان بدست می آید.

پ: ابعادی که حکومت اسلامی می تواند جهت رسیدن به هدف مذکور فعالیت کند، در سه بخش محوری دین اسلام می باشد (یعنی معرفتی، معنوی و فقهی).

۸. فهرست منابع

قرآن کریم

اسپریگنز، توماس (۱۳۷۹). فهم نظریه های سیاسی، چاپ هفتم، تهران: نشر آگه.

امام خمینی، سید روح الله (۱۳۸۰). شرح چهل حدیث (اربعین حدیث) (چاپ قدیم)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

----- (۱۳۷۸). صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

----- (۱۳۹۲). تفسیر سوره حمد (چاپ قدیم)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

----- (۱۴۰۹ ه.ق). ولایت فقیه (چاپ قدیم)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

استراوس، آنسلم؛ کوربین، جولیت (۱۳۸۴). اصول و روش تحقیق کیفی: نظریه مبانی: روش ها و شیوه ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

باقی نصرآبادی، علی (۱۳۹۹). راهبری حکومت اسلامی در مدیریت فرهنگ با تاکید بر آرای شهید مطهری، نشریه سیاست متعالیه، شماره ۳۱، ص ۲۸۰-۲۶۴.

رضانی، علی (۱۳۹۲)، «نظریه «استخدام» و خاستگاه ارزشی «عدالت» از دیدگاه علامه طباطبایی؛ (بر اساس تفسیر شهید مطهری، استاد مصباح یزدی و استاد جوادی آملی)»، نشریه حکومت اسلامی، شماره ۳، ص ۱۸۹-۱۶۱.

زیتی چشمه سرده، سامان (۱۳۹۴). شکل گیری انقلاب اسلامی بر اساس نظریه بحران توماس اسپریگنز، اولین کنفرانس بین المللی نقش مدیریت انقلاب اسلامی در هندسه قدرت نظام جهانی (مدیریت، سیاست، اقتصاد، فرهنگ، امنیت، حسابداری)، ص ۹۸-۱۱۸.

صدرا، علیرضا؛ محمود پناهی، سید محمد رضا (۱۳۹۴). شاخص های نو اندیشی حوزوی (با تاکید بر اندیشه سی-آیت الله مطهری)، نشریه سیاست، شماره ۲۴، ص ۲۰۲-۲۱۹.

سلطانی رنانی، سید مهدی (۱۳۹۲). «مؤلفه های اخلاق اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبایی و شهید مطهری»، پژوهش های اجتماعی اسلامی، شماره ۹۶، ص ۳-۴۶.

مرتضوی شاهرودی، سید محمود؛ ساجدی، ابوالفضل؛ مصباح، علی (۱۳۹۷). بررسی و نقد مبانی هرمنوتیکی پل ریکور، کلام اسلامی، شماره ۱۰۵، ص ۱۱۵-۱۵۰.

قاسمی، حسین؛ نصرت پناه، محمد صادق (۱۳۹۹). چارچوب نظریه نخبه گرایی در اندیشه سیاسی شهید مطهری، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ش ۳۵، ص ۱۳۱-۱۵۰.

فرشاد زبیرک کار، وحیده؛ سروریان، حمیدرضا (۱۳۹۷). «نقد و بررسی رابطه دین و معنویت از دیدگاه ملکیان با تکیه بر دیدگاه شهید مطهری و جوادی آملی»، نشریه مطالعات اندیشه معاصر مسلمین، شماره ۷، ص ۱۵۰-۱۲۷.

ملاصدرا، صدرالدین محمد شیرازی (۱۳۴۰). رساله سه اصل، به تصحیح سید محمد حسین نصر، تهران: انتشارات دانشکده معقول و منقول.

----- (۱۹۸۱م). اسفار، ج ۷، بیروت: دار احیاء التراث.

----- (۱۳۸۵) الشواهد الربوبیه، ترجمه و تفسیر جواد مصلح، تهران: انتشارات سروش، چاپ چهارم.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). اصول کافی، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ۳۰ ج، چاپ ۸، قم: صدرا.

----- (بی تا). یادداشتهای استاد مطهری، ج ۶، ۱۳ ج، تهران: صدرا.

نظرپور، حامد؛ سپاهی، مجتبی (۱۳۹۸). «رابطه معنویت و الاهیات از دیدگاه مک گراث و شهید مطهری»، نشریه: الاهیات تطبیقی، شماره ۲۲، ص ۱۷-۳۰.